

۵۷۹۰۲/۶۲۸۰۸

۱۳۹۹، ۶، ۵



جمهوری اسلامی ایران
رئیس جمهور

بسمه تعالی

"با صلوات بر محمد و آل محمد"

جناب آقای دکتر قالیباف

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

لایحه "موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری غنا به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد، سرمایه و عواید سرمایه‌ای" که به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی در جلسه ۱۳۹۹/۵/۱۹ هیئت وزیران به تصویب رسیده است، برای طی تشریفات قانونی به پیوست تقدیم می‌شود.

حسین روحانی
رئیس جمهور

۵۷۹۰۲ / ۶۲۸۰۸
۱۳۹۹ / ۵



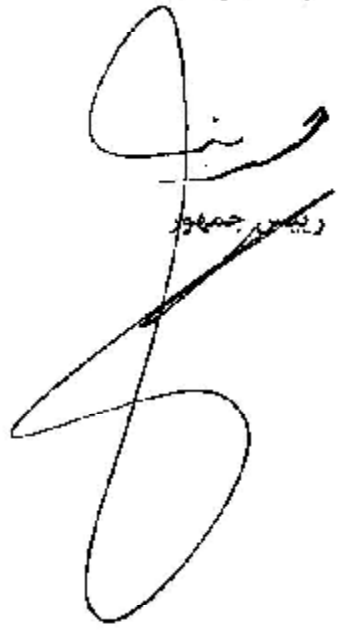
بسمه تعالی

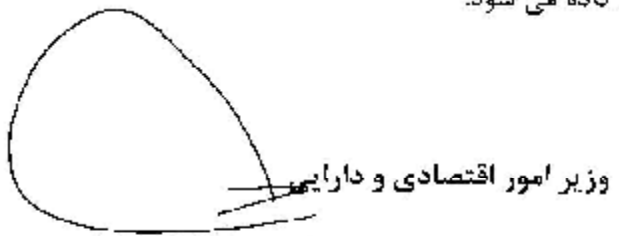
مقدمه توجیهی:

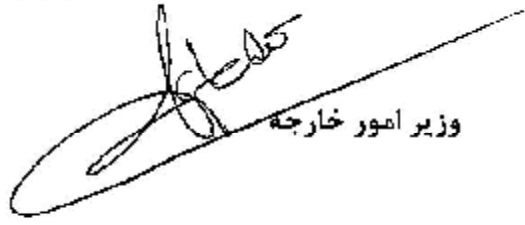
با عنایت به ضرورت گسترش همکاری‌های اقتصادی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری غنا و لزوم اتخاذ تدابیر قانونی برای اجتناب از اخذ مالیات مضاعف از اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در هر دو کشور و با توجه به اهمیت بسزای ایجاد تسهیلات و تمهیدات مربوط و به منظور تضمین تداوم فعالیت‌های اقتصادی و نیز توسعه و ارتقای سطح مناسبات بین دو دولت، لایحه زیر برای طی مراحل قانونی تقدیم می‌شود:

"لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری غنا
به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی
در مورد مالیات‌های بر درآمد، سرمایه و عواید سرمایه‌ای"

ماده واحده - موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری غنا به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد، سرمایه و عواید سرمایه‌ای، مشتمل بر یک مقدمه و (۳۰) ماده به شرح پیوست تصویب و به دولت اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.


رئیس جمهور


وزیر امور اقتصادی و دارایی


وزیر امور خارجه

۵۷۹.۲ / ۲۲۸.۸
۱۳۹۹.۷.۵

بسمه تعالی

موافقت نامه

بین دولت جمهوری اسلامی ایران

و

دولت جمهوری غنا

به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف
و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های
بر درآمد، سرمایه و عواید سرمایه‌ای

دفتر هیئت دولت

دولت جمهوری اسلامی ایران

و

دولت جمهوری غنا

با تمایل به انعقاد موافقت‌نامه‌ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد، سرمایه و عواید سرمایه‌ای به شرح زیر توافق نمودند:

ماده ۱

اشخاص مشمول موافقت‌نامه

این موافقت‌نامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم یکی از دولت‌های متعاقد یا هر دو آن‌ها باشند.

ماده ۲

مالیات‌های موضوع موافقت‌نامه

۱- این موافقت‌نامه شامل مالیات بر درآمد، مالیات بر سرمایه و عواید سرمایه‌ای است که صرفنظر از نحوه اخذ آنها از سوی هر دولت متعاقد، تقسیمات فرعی سیاسی یا مقامات محلی آنها وضع می‌گردد.

۲- مالیات بر درآمد، سرمایه و عواید سرمایه‌ای عبارت است از تمامی مالیات‌های وضع شده بر کل درآمد، کل سرمایه و کل عواید سرمایه‌ای یا اجزای درآمد، سرمایه و عواید سرمایه‌ای، از جمله مالیات بر درآمدهای حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیر منقول، مالیات بر کل مبالغ دستمزد یا حقوق پرداختی توسط مؤسسات و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه.

۳- مالیات‌های موجود مشمول این موافقت‌نامه عبارتند از:

الف) در مورد جمهوری اسلامی ایران:

(۱) مالیات بر درآمد

- مالیات بر درآمد مستغلات؛

- مالیات بر درآمد حاصل از کشاورزی؛

- مالیات بر درآمد حقوق؛

- مالیات بر درآمد مشاغل (کسب و کار)؛ و

- مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی.

(۲) مالیات بر دارایی.

ب) در مورد جمهوری غنا:

(۱) مالیات بر درآمد؛ و

(۲) مالیات بر عواید سرمایه‌های.

۴- این موافقت‌نامه شامل مالیات‌هایی که نظیر یا در اساس مشابه مالیات‌های موجود مورد اشاره در بند (۳) این ماده بوده و بعد از تاریخ امضای این موافقت‌نامه به آنها اضافه یا به جای آنها وضع شود نیز خواهد بود. مقامات صلاحیت‌دار دولت‌های متعاقد، ظرف مدت معقوله یکدیگر را از هر تغییر مهمی که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود، مطلع خواهند نمود.

ماده ۳

تعاریف کلی

۱- از لحاظ این موافقت‌نامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضا نماید، معانی اصطلاحات به‌قرار زیر است:

(الف)

(۱) اصطلاح «جمهوری اسلامی ایران» به مناطق تحت حاکمیت و یا صلاحیت جمهوری

اسلامی ایران اطلاق می‌شود؛

(۲) اصطلاح «جمهوری غنا» به قلمرو جمهوری غنا از جمله مناطق هوایی، دریای سرزمینی

و مناطق خارج از دریای سرزمینی اطلاق می‌شود که جمهوری غنا مطابق حقوق بین-

الملل نسبت به آن حقوق صلاحیت و حاکمیت در کتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی

بستر دریا، زیر بستر و آب‌های مجاور آن را داشته باشد؛

(ب) اصطلاح «یک دولت متعاقد» و «دولت متعاقد دیگر» بنا به اقتضای متن به جمهوری

اسلامی ایران یا جمهوری غنا اطلاق می‌شود؛

(پ) اصطلاح «شخص» اطلاق می‌شود به:

(۱) شخص حقیقی،

(۲) شرکت یا هر مجموعه دیگری از اشخاص؛

(ت) اصطلاح «شرکت» اطلاق می‌شود به هر شخص حقوقی یا هر واحدی که از لحاظ مالیاتی به

عنوان شخص حقوقی محسوب می‌شود؛

(ث) اصطلاح «دفتر ثبت شده» به مفهوم دفتر مرکزی ثبت شده طبق قوانین مربوط هر دولت

متعاقد می‌باشد؛

(ج) اصطلاح «مؤسسه یک دولت متعاقد» و «مؤسسه دولت متعاقد دیگر» به ترتیب به مؤسسه‌ای

که به وسیله مقیم یک دولت متعاقد و مؤسسه‌ای که به وسیله مقیم دولت متعاقد دیگر اداره

می‌گردد اطلاق می‌شود؛

(ح) اصطلاح «حمل و نقل بین‌المللی» به هرگونه حمل و نقل توسط کشتی، قایق یا وسایط نقلیه

هوایی اطلاق می‌شود که توسط مؤسسه‌ای که محل مدیریت مؤثر آن در یک دولت متعاقد

قرار دارد انجام می‌شود، به استثنای مواردی که کشتی، قایق یا وسایط نقلیه هوایی صرفاً برای حمل و نقل بین نقاط واقع در یکی از دو دولت متعاقد استفاده شود:

ح) اصطلاح «تبعه» به مفهوم زیر است:

(۱) هر شخص حقیقی که تابعیت یک دولت متعاقد را داشته باشد،
(۲) هر شخص حقوقی یا انجمنی که وضعیت قانونی خود را از قوانین جاری در یک دولت متعاقد کسب کرده باشد.

خ) اصطلاح «مقام صلاحیت‌دار»:

(۱) در مورد جمهوری اسلامی ایران به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز او اطلاق می‌شود؛

(۲) در مورد جمهوری غنا به رئیس کل اداره درآمدهای مالیاتی غنا یا نماینده مجاز او اطلاق می‌شود.

۲- در اجرای این موافقت‌نامه توسط یک دولت متعاقد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، دارای معنای بکار رفته در قوانین آن دولت متعاقد راجع به مالیات‌های مشمول این موافقت‌نامه است، به جز مواردی که اقتضای سیاق عبارت به گونه‌ای دیگر باشد و معنای مزبور نسبت به معنای اطلاق به اصطلاح مذکور به موجب سیر قوانین دولت متعاقد مربوط ارجحیت خواهد داشت.

ماده ۴

مقیم

۱- از لحاظ این موافقت‌نامه اصطلاح «مقیم یک دولت متعاقد» به هر شخصی اطلاق می‌شود که به موجب قوانین آن دولت، از حیث اقامتگاه، محل سکونت، محل ثبت، محل مدیریت یا به جهات مشابه دیگر مشمول مالیات آن دولت باشد و همچنین این اصطلاح شامل آن دولت و تقسیمات فرعی سیاسی یا مقام محلی آن خواهد بود، یا وجود این اصطلاح مزبور شامل شخصی نخواهد بود که صرفاً به لحاظ درآمد، سرمایه یا عواید سرمایه‌ای از منابع یا سرمایه واقع در آن دولت مشمول مالیات آن دولت می‌شود.

۲- در صورتی که حسب مقررات بند (۱) این ماده شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:

الف) او صرفاً مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن، محل سکونت دائمی در اختیار دارد؛ اگر او در هر دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد، صرفاً مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن علایق شخصی و اقتصادی بیشتری دارد (مرکز منافع حیاتی)؛

دفتر هیئت دولت

ب) هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، یا چنانچه او در هیچ یک از دو دولت، محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، صرفاً مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا بسر می‌برد؛

پ) هرگاه او معمولاً در هر دو دولت متعاهد بسر برد یا در هیچ یک بسر نبرد، صرفاً مقیم دولتی تلقی می‌شود که تابعیت آن را دارد؛

ت) هرگاه او تابعیت هیچ یک از دو دولت متعاهد را نداشته باشد و در صورتی که نتوان بر اساس بندهای پیشین او را مقیم یکی از دولت‌های متعاهد تلقی کرد، موضوع با توافق متقابل مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد حل و فصل خواهد شد.

۳- در صورتی که شخصی غیر از شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاهد باشد، آن شخص، مقیم دولتی تلقی خواهد شد که محل مدیریت مؤثر وی در آن واقع است.

ماده ۵

مقرر دایم

- ۱- از لحاظ این موافقت‌نامه اصطلاح «مقرر دایم» به محل ثابت کسب و کار اطلاق می‌شود که از طریق آن فعالیت‌های یک مؤسسه کلاً یا جزئاً انجام می‌گردد.
- ۲- اصطلاح «مقرر دایم» به ویژه شامل موارد زیر است:
 - الف) محل اداره؛
 - ب) شعبه؛
 - پ) دفتر؛
 - ت) کارخانه؛
 - ث) کارگاه؛
 - ج) معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، استخراج و یا بهره‌برداری از منابع طبیعی.
- ۳ کارگاه ساختمانی، پروژه ساخت، سوار کردن یا نصب ساختمان یا فعالیت‌های مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن، «مقرر دایم» محسوب می‌شوند ولی فقط در صورتی که این کارگاه، پروژه یا فعالیت‌ها بیش از (۶) ماه استمرار یا ادامه داشته باشد.
- ۴- علیرغم مقررات قبلی این ماده، انجام فعالیت‌های زیر توسط مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر به‌عنوان فعالیت از طریق «مقرر دایم» تلقی نخواهد شد:
 - الف) استفاده از تسهیلات، صرفاً به منظور انبار کردن، نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به مؤسسه؛
 - ب) نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش؛

دفتر هیئت دولت

ب) نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور فراوری آنها توسط مؤسسه دیگر؛
ت) نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور خرید کالاها یا اجناس، یا گردآوری اطلاعات
برای آن مؤسسه؛

ث) نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور انجام تبلیغات، تهیه اطلاعات یا تحقیقات
علمی برای آن مؤسسه و یا سایر فعالیت‌هایی که برای آن مؤسسه دارای جنبه تمهیدی یا
کمکی باشد؛

ج) نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور ترکیبی از فعالیت‌های مذکور در جزءهای
(الف) تا (ت)، به شرط آنکه فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاص از این ترکیب، دارای جنبه
تمهیدی یا کمکی باشد.

۵- علی‌رغم مقررات بندهای (۱) و (۲) در صورتی که شخصی (غیر از عاملی که دارای وضعیت
منتقل بوده و مشمول بند (۶) است) در یک دولت متعاقد از طرف مؤسسه‌ای فعالیت کند و دارای
اختیار انعقاد قرارداد به نام آن مؤسسه باشد و اختیار مزبور را به‌طور معمول اعمال کند، آن مؤسسه
در مورد فعالیت‌هایی که این شخص برای آن انجام می‌دهد، در آن دولت دارای مقر دایم تلقی
خواهد شد مگر آنکه فعالیت‌های شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد، که در این
صورت آن فعالیت‌ها چنانچه از طریق محل ثابت کسب و کار نیز انجام گیرند به موجب مقررات بند
مذکور، این محل ثابت کسب و کار را به مقر دایم تبدیل نخواهد کرد.

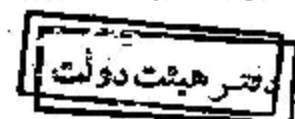
۶- مؤسسه یک دولت متعاقد صرفاً به سبب آنکه در دولت متعاقد دیگر از طریق حق‌الملک، دلال
یا هر عامل مستقل دیگری به انجام امور می‌پردازد، در آن دولت دیگر داری مقر دایم تلقی نخواهد
شد مشروط بر آنکه عملیات اشخاص مزبور در جریان عادی کسب و کار آنان صورت گیرد. معذالک،
هرگاه فعالیت‌های چنین عاملی به‌طور کامل یا تقریباً کامل به آن مؤسسه تخصیص یافته باشد،
چنانچه معاملات بین این عامل و آن مؤسسه در شرایط استقلال انجام گیرد، او به عنوان عامل
دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

۷- صرف اینکه شرکت مقیم یک دولت متعاقد، شرکت مقیم و یا فعال در دولت متعاقد دیگر را
کنترل می‌کند یا تحت کنترل آن قرار دارد یا در آن دولت دیگر فعالیت تجاری انجام می‌دهد (خواه
از طریق مقر دایم و خواه به نحو دیگر) به خودی خود برای اینکه یکی از آنها مقر دایم دیگری
محسوب شود، کافی نخواهد بود.

ماده ۶

درآمد حاصل از اموال غیر منقول

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاقد دیگر
(از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری) مشمول مالیات آن دولت دیگر خواهد بود.



- ۲- اصطلاح «اموال غیر منقول» دارای همین تعریفی است که در قوانین دولت متعاهدی که اموال مزبور در آن فرز دارد، آمده است. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیر منقول، احشام و اسباب و ادوات مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که مقررات قوانین عام راجع به مالکیت اراضی، در مورد آنها اعمال می‌گردد، حق انتفاع از اموال غیر منقول و حقوق مربوط به پرداخت‌های ثابت یا متغیر در ازای کار یا حق انجام کار، ذخایر معدنی، سرچشمه‌ها و سایر منابع طبیعی از جمله نفت، گاز و معدن سنگ خواهد بود. کشتی‌ها، فایق‌ها و وسایط نقلیه هوایی به عنوان اموال غیر منقول محسوب نخواهند شد.
- ۳- مقررات این ماده نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از اموال غیر منقول جاری خواهد بود.
- ۴- مقررات بندهای (۱) و (۳) این ماده در مورد درآمد ناشی از اموال غیر منقول مؤسسه و درآمد ناشی از اموال غیر منقول مورد استفاده برای انجام خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد شد.

ماده ۷

درآمدهای تجاری

- ۱- درآمد مؤسسه یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر اینکه این مؤسسه از طریق مقر دایم واقع در دولت متعاهد دیگر امور تجاری خود را انجام دهد. چنانچه مؤسسه از طریق مزبور به کسب و کار بپردازد درآمد آن مؤسسه فقط تا حدودی که مرتبط با مقر دایم مذکور باشد، مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر می‌شود.
- ۲- با رعایت مقررات بند (۳) این ماده، در صورتی که مؤسسه یک دولت متعاهد از طریق مقر دایم واقع در دولت متعاهد دیگر فعالیت نماید، آن مقر دایم در هر یک از دو دولت متعاهد، دارای درآمدی تلقی می‌شود که اگر به صورت مؤسسه‌ای متمایز و مجزا و کاملاً مستقل از مؤسسه‌ای که مقر دایم آن است به فعالیت‌های نظیر یا مشابه در شرایط نظیر یا مشابه اشتغال داشت، می‌توانست تحصیل کند.
- ۳ در تعیین درآمد مقر دایم، هزینه‌های قابل قبول از جمله هزینه‌های اجرایی و هزینه‌های عمومی اداری تا حدودی که این هزینه‌ها به‌طور معقولی برای مقاصد کسب و کار مقر دایم صورت گرفته است، کسر خواهد شد، اسم از آنکه در دولتی که مقر دایم در آن واقع شده است تخام پذیرد یا در جای دیگر. معذک، چنانچه مبالغی (به غیر از بازپرداخت هزینه‌های واقعی) توسط مقر دائم به دفتر مرکزی مؤسسه یا سایر دفاتر آن به عنوان حق‌الاستیاز، حق‌الزحمه یا سایر پرداخت‌های مشابه در ازای استفاده از حق انحصاری اختراع یا سایر حقوق، یا به عنوان حق‌العمل، برای خدمات خاصی انجام شده یا برای مدیریت، یا به عنوان هزینه مالی وام اعطا شده به مقر دایم (به استثناء مؤسسات بانکی) پرداخت شده باشد، به عنوان هزینه قابل قبول محسوب نخواهد شد. همچنین در تعیین

دفتر هیئت دولت

منافع یک مقر دائم مبالغ هزینه شده (به غیر از بازپرداخت هزینه‌های واقعی) توسط مقر دائم برای دفتر مرکزی مؤسسه یا سایر دفاتر آن به عنوان حق امتیاز، حق الزحمه یا سایر پرداخت‌های مشابه در ازای استفاده از حق انحصاری اختراع یا سایر حقوق، یا به عنوان حق‌العمل، برای خدمات خاص انجام شده یا برای مدیریت، یا به عنوان هزینه مالی وام اعطا شده به دفتر مرکزی مؤسسه یا سایر دفاتر آن (به استثناء مؤسسات بانکی) محاسبه نخواهد شد.

۴- چنانچه در یک دولت متعاقد روش متعارف برای تعیین درآمد قابل تخصیص به مقر دائم بر اساس تسهیم کل درآمد مؤسسه به بخش‌های مختلف آن باشد، مقررات بند (۲) مانع به‌کاربردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاقد، برای تعیین درآمد مشمول مالیات نخواهد شد. در هر حال نتیجه روش تسهیمی متخذه باید با اصول این ماده تطابق داشته باشد.

۵- صرف آنکه مقر دائم برای مؤسسه جنس یا کالا خریداری می‌کند، موجب منظور داشتن درآمد برای آن مقر دائم نخواهد بود.

۶- درآمد منظور شده برای مقر دائم سال به سال به روش یکسان تعیین خواهد شد، مگر آنکه دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.

۷- در صورتی که درآمد شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه‌ای دارد، مفاد این ماده خدشه‌ای به مقررات آن مواد وارد نخواهد آورد.

ماده ۸

حمل و نقل بین‌المللی

۱- درآمد حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاقد بابت استفاده از کشتی‌ها، قایق‌ها یا وسایط نقلیه هوایی، در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات دولت متعاقدی خواهد بود که محل مدیریت مؤثر مؤسسه در آن واقع است. درآمد مزبور شامل درآمد حاصل مؤسسه بابت استفاده، نگهداری یا اجاره بارگنج‌های مورد استفاده در حمل و نقل کالا یا اجناس در حمل و نقل بین‌المللی خواهد بود مشروط بر آنکه استفاده، نگهداری یا اجاره مزبور، حسب مورد، نسبت به استفاده از کشتی‌ها یا وسایط نقلیه هوایی در حمل و نقل بین‌المللی جنبه اتفاقی داشته باشد.

۲- در صورتی که محل مدیریت مؤثر مؤسسه کشتیرانی بر عرشه کشتی قرار داشته باشد، چنین تلقی خواهد شد که محل مذکور در دولت متعاقدی قرار دارد که بندر اصلی کشتی در آن واقع است، یا در صورت نبود بندر اصلی، در آن دولت متعاقدی تنقی خواهد شد که گردنده کشتی مقیم آن است.

۳- مقررات بند (۱) در مورد درآمد حاصل از مشارکت در اتحادیه، کسب و کار مشترک یا نمایندگی فعال بین‌المللی نیز نافذ خواهد بود، اما فقط به آن قسمت از منافع حاصله که قابی انتساب به شریک به نسبت قدرالسهم آن در فعالیت‌های مشترک باشند.

ماده ۹

مؤسسات شریک

۱- در صورتی که :

الف) مؤسسه یک دولت متعاقد به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشد،

ب) اشخاصی واحد به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه یک دولت متعاقد و مؤسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت دانسته باشند،

و در هر یک از دو مورد، شرایط مورد توافق یا مقرر در روابط تجاری یا مالی بین دو مؤسسه، متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات مستقل برقرار است، در آن صورت هرگونه درآمدی که باید عاید یکی از این مؤسسات می‌شود، ولی به علت آن شرایط، عاید نشده است می‌تواند جزء درآمد آن مؤسسه منظور شده و مشمول مالیات منعلقه شود.

۲- در صورتی که یک دولت متعاقد درآمدهایی که در دولت متعاقد دیگر بابت آنها از مؤسسه آن دولت متعاقد دیگر مالیات اخذ شده، جزء درآمدهای مؤسسه خود منظور و آنها را مشمول مالیات کند، و درآمد مزبور درآمدی باشد که چنانچه شرایط استقلال بین دو مؤسسه حاکم بود، عاید مؤسسه دولت نخست می‌شد، در این صورت آن دولت متعاقد دیگر در میزان مالیات متعلقه بر آن درآمد، تعدیل مناسبی به‌عمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی سایر مقررات این موافقت‌نامه باید لحاظ شود و مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند کرد.

ماده ۱۰

سود سهام

۱- سود سهام پرداختی توسط شرکت مقیم یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲- معذالک این سود سهام ممکن است در دولت متعاقدی که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی در صورتی که دریافت کننده، مقیم دولت متعاقد دیگر بوده و مالک منافع سود سهام باشد، مالیات متعلقه از منافع زیر تجاوز نخواهد کرد:

الف) ۵ درصد مبلغ ناخالص سود سهام در صورتی که مالک منافع، شرکنی (به جز مشارکت) باشد که حداقل (۱۰) درصد سرمایه شرکت پرداخت کننده سود سهام را مستقیماً در اختیار داشته باشد.

دفتر هیئت دولت

ب) ۶ درصد مبلغ ناخالص سود سهام در تمام موارد دیگر.

این بند تأثیری بر مالیات شرکتی که از محل درآمد آن سود سهام مزبور پرداخت می‌شود نخواهد داشت.

۲- اصطلاح «سود سهام» به کار رفته در این ماده اطلاق می‌شود به درآمد حاصل از سهام، سهم منافع یا حقوق سهام منافع، سهام مؤسسین یا سایر حقوق به استثنای مطالبات دیون، مشارکت در منافع و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق شراکتی که طبق قوانین دولت محل اقامت شرکت تقسیم کننده درآمد مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می‌گردد.

۴- هرگاه مالک منافع سود سهام، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقر دائم واقع در آن به فعالیت نسلی بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاقد دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر مرتبط با این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این صورت مقررات مواد (۷) یا (۱۵)، حسب مورد، مجری خواهد بود.

۵- در صورتی که شرکت مقیم یک دولت متعاقد، منافع یا درآمدی از دولت متعاقد دیگر تحصیل کند، آن دولت متعاقد دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد (به غیر از موافقی که این سود سهام به مقیم آن دولت متعاقد دیگر پرداخت شود یا موافقی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر مرتبط با مقر دائم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاقد دیگر باشد). و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد کرد، حتی اگر سود سهام پرداختی به منافع تقسیم نشده کلاً یا جزئاً از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت متعاقد دیگر تشکیل شود.

ماده ۱۱

هزینه‌های مالی

۱- هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲- مع ذلک، این هزینه‌های مالی ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل شده و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه دریافت کننده، مقیم دولت متعاقد دیگر بوده و مالک منافع هزینه‌های مالی باشد، مالیات متعلقه از (۵) درصد مبلغ ناخالص هزینه‌های مالی تجاوز نخواهد کرد.

دفتر هیئت دولت

۳- اصطلاح «هزینه‌های مالی» به نحوی که در این ماده به کار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دینی اعم از آنکه دارای وثیقه و یا متضمن حق مشارکت در منافع بدهکار باشد یا نباشد و بخصوص درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه شامل حق بیمه و جوایز متعلق به اوراق بهادار، اوراق قرضه یا سهام قرضه مزبور اطلاق می‌گردد. جریمه‌های تأخیر تأدیه از لحاظ این ماده هزینه‌های مالی محسوب نخواهند شد.

۴- علی‌رغم مقررات بند (۲)، هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاهد که توسط دولت متعاهد دیگر، وزارتخانه‌ها، سایر مؤسسات دولتی، شهرداری‌ها، بانک مرکزی و سایر بانک‌هایی که کلاً متعلق به دولت متعاهد دیگر می‌باشند، کسب می‌شوند، از مالیات دولت نخست معاف خواهد بود.

۵- هرگاه مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگری که هزینه‌های مالی در آنجا حاصل شده از طریق مقر دایم واقع در آن فعالیت شعلی داشته باشد یا در دولت متعاهد دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقیماً انجام دهد و مطالبات دینی که هزینه‌های مالی از بابت آن پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر مربوط به این مقر دایم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) عملاً نخواهد شد. در این صورت، حسب مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۵) مجری خواهد بود.

۶- هزینه‌های مالی در صورتی حاصل شده در یک دولت متعاهد تلقی خواهد گردید که پرداخت کننده خود دولت، تقسیمات فرعی سیاسی، مقام محلی، یا مقیم آن دولت باشد. معذالک، در صورتی که شخص پرداخت کننده هزینه‌های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاهد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاهد و در ارتباط با دینی که هزینه‌های مالی به آن تعلق می‌گیرد دارای مقر دایم یا پایگاه ثابت بوده و پرداخت این هزینه‌های مالی بر عهده آن مقر دایم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت چنین تلقی خواهد شد که هزینه‌های مالی مذکور، در دولت متعاهد محل وقوع مقر دایم یا پایگاه ثابت حاصل شده است.

۷- در صورتی که به دلیل وجود رابطه‌ای خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ هزینه‌های مالی که در مورد مطالبات دینی پرداخت می‌شود از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد، قسمت مازاد پرداختی، طبق قوانین هر یک از دولت‌های متعاهد و با رعایت سایر مقررات این موافقت‌نامه مشمول مالیات خواهد بود.

دفتر هیئت دولت

حق الامتیازها

- ۱- حق الامتیازهایی که در یک دولت متعهد حاصل و به مقیم دولت متعهد دیگر پرداخت شده، مشمول مالیات آن دولت متعهد دیگر می‌شود.
- ۲- مع ذلک، این حق الامتیازها ممکن است در دولت متعهدی که حاصل شده طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود ولی چنانچه دریافت کننده، مالک منافع حق الامتیاز باشد مالیات متعلقه بیش از (۵) درصد مبلغ ناخالص حق الامتیاز نخواهد بود.
- ۳- اصطلاح «حق الامتیاز» در این ماده به هر نوع وجود دریافت شده در ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلم‌های سینمایی و نوآرهای رادیویی و تلویزیونی، هرگونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمون یا فرآیند سری یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی اطلاق می‌شود.
- ۴- هرگاه مالک منافع حق الامتیاز، مقیم یک دولت متعهد بوده و در دولت متعهد دیگر که حق الامتیاز حاصل می‌شود از طریق مقر دائم فعالیت شغلی داشته باشد، یا در دولت متعهد دیگر از طریق پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اصولی که حق الامتیاز نسبت به آنها پرداخت می‌شود به‌طور مؤثری با این مقر دائم یا پیگانه ثابت ارتباط داشته باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) اعمال نخواهد شد. در این صورت، حسب مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۵) مجری خواهد بود.
- ۵- حق الامتیاز در یک دولت متعهد در صورتی حاصل شده تلقی خواهد شد که پرداخت کننده خود آن دولت، تقسیمات فرعی سیاسی، مقامی محلی یا یک مقیم آن دولت باشد. معذالک در صورتی که شخص پرداخت کننده حق الامتیاز، خواه مقیم یک دولت متعهد باشد یا نباشد، در یک دولت متعهد دارای مقر دائم یا پایگاه ثابتی باشد که حق یا اموال موجود حق الامتیاز به‌نحوی مؤثر با آن مقر دائم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته و پرداخت حق الامتیاز بر عهده مقر دائم یا پایگاه ثابت مذکور باشد، حق الامتیاز در دولت متعهدی حاصل شده تلقی خواهد شد که مقر دائم یا پایگاه ثابت مزبور در آن واقع است.
- ۶- چنانچه به سبب وجود رابطه‌ای خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ حق الامتیازی که با در نظر گرفتن استفاده، حق استفاده یا اطلاعاتی که بهت آنها حق الامتیاز پرداخت می‌شود، از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافقی می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر مجری خواهد بود. در این‌گونه موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر یک از دولت‌های متعهد و با رعایت سایر مقررات این موافقت‌نامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

حق الزحمه خدمات فنی

۱- حق الزحمه خدمات فنی که در یک دولت متعاقد حاصل و به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲- معذک، این حق الزحمه خدمات فنی ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل شده ضبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود ولی چنانچه دریافت کننده، مالک منافع حق الزحمه خدمات فنی و مقیم دولت متعاقد دیگر باشد، مالیات متعلقه بیش از (۱۰) درصد مبلغ ناخالص حق الزحمه خدمات فنی نخواهد بود.

۳- اصطلاح «حق الزحمه خدمات فنی» به گونه مورد استفاده در این ماده به هر نوع وجوه پرداختی، غیر از موارد مذکور در مواد (۱۲)، (۱۵)، و (۱۶) این موافقتنامه، در ازای خدمات مدیریتی یا فنی یا مشاوره‌ای از جمله ارائه خدمات کارکنان فنی یا سایر کارکنان اطلاق می‌شود.

۴- هرگاه مالک منافع حق الزحمه خدمات فنی، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که حق الزحمه خدمات فنی حاصل می‌شود از طریق مقر دائم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد یا در آن دولت متعاقد دیگر از پایگاه ثبت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و تعهدی که حق الزحمه خدمات فنی بابت آن پرداخت می‌شود به‌صورت مؤثر با مقر دائم یا پایگاه ثابت مزبور مرتبط باشد، مقررات بندهی (۱) و (۲) اعمال نخواهد شد. در این صورت، حسب مورد، مقررات ماده (۷) یا ماده (۱۵) مجری خواهد بود.

-۵-

الف) حق الزحمه خدمات فنی در یک دولت متعاقد در صورتی حاصل شده تلقی خواهد شد که پرداخت کننده خود آن دولت، تقسیمات فرعی سیاسی، مقام محلی یا یک مقیم آن دولت باشد معذک، در صورتی که شخص پرداخت کننده حق الزحمه خدمات فنی، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد دارای مقر دائم یا پایگاه ثبتی باشد که تعهد پرداخت حق الزحمه خدمات فنی مرتبط با آن بوده و پرداخت این حق الزحمه خدمات فنی بر عهده آن مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت حق الزحمه خدمات فنی مزبور در دولت متعاهدی حاصل شده تلقی خواهد شد که مقر دائم یا پایگاه ثابت مزبور در آن واقع است.

ب) در صورتی که حسب جزء الف) حق الزحمه خدمات فنی در یکی از دولت‌های متعاقد حاصل نشده باشد و حق الزحمه خدمات فنی مرتبط با خدمات انجام شده در یکی از دولت‌های متعاقد باشد، چنین تلقی خواهد شد که حق الزحمه خدمات فنی در آن دولت متعاقد حاصل شده است.

دفتر هیئت دولت

۶- در صورتی که به دلیل وجود رابطهای خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ حق الزحمه خدمات فنی پرداختی از مبلغی که در صورت عده وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده صرفاً نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر دولت متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۴

عواید سرمایه‌ای

- ۱- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال اموال غیر منقول مذکور در ماده (۶) که در دولت متعاقد دیگر قرار دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.
- ۲- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقر دایم مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر می‌باشد، یا اموال منقول متعلق به پایگاه ثابتی که در اختیار مقیم یک دولت متعاقد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاقد دیگر می‌باشد، شامل عواید ناشی از نقل و انتقال مقر دایم (به‌تنهایی یا همراه با کل مؤسسه) یا پایگاه ثابت مزبور، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.
- ۳- عواید حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاقد از نقل و انتقال کشتی‌ها، قایق‌ها یا وسایل نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی با اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی‌ها، قایق‌ها یا وسایل نقلیه هوایی، فقط مشمول مالیات دولت متعاقدی خواهد بود که محل مدیریت مؤثر مؤسسه در آن واقع است.
- ۴- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال سهام یا سایر حقوق شراکتی در شرکتی که دارای آن به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم عمدتاً از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاقد دیگر تشکیل شده است، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.
- ۵- عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲)، (۳) و (۴) فقط مشمول مالیات دولت متعاقدی که انتقال دهنده مقیم آن است خواهد بود.

ماده ۱۵

خدمات شخصی مستقل

- ۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد به سبب خدمات حرفه‌ای یا سایر فعالیت‌های دارای ماهیت مستقل، فقط در آن دولت متعاقد مشمول مالیات خواهد بود مگر آنکه:

دفتر هیئت دولت

الف) این شخص به منظور انجام فعالیت‌های خود به‌طور منظم پایگاه ثابتی در دولت متعاقد دیگر در اختیار داشته باشد که در این صورت این درآمد فقط تا حدودی که مربوط به آن پایگاه ثابت باشد، مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر خواهد بود.

ب) جمع مدتی که این شخص در یک یا چند دوره در دولت متعاقد دیگر بسر برده در هر دوره دوازده ماهه که در سال مالی مربوطه شروع یا پایان یافته برابر یا بیشتر از ۱۸۳ روز باشد؛ در این صورت، این درآمد فقط تا حدودی که حاصل از انجام فعالیت وی در آن دولت متعاقد دیگر باشد، می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

۲- اصطلاح «خدمات حرفه‌ای» به ویژه شامل فعالیت‌های مستقل علمی، ادبی، هنری، پرورشی، آموزشی و همچنین فعالیت‌های مستقل پزشکان، مهندسان، کارشناسان، وکلای دادگستری، معماران، دندانپزشکان و حسابداران می‌باشد.

ماده ۱۶

خدمات شخصی غیر مستقل

۱- با رعایت مقررات مواد (۱۷)، (۱۹)، (۲۰) و (۲۱) این موافقت‌نامه، حقوق، مزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابهی که مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدام دریافت می‌دارد فقط مشمول مالیات همان دولت می‌باشد مگر آنکه استخدام در دولت متعاقد دیگر انجام شود چنانچه استخدام بدین گونه باشد حق‌الزحمه حاصل از آن می‌تواند در آن دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات شود.

۲- علی‌رغم مقررات بند (۱)، حق‌الزحمه مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدامی که در دولت متعاقد دیگر انجام شده فقط مشمول مالیات دولت نخست خواهد بود مشروط بر آنکه:

الف) جمع مدتی که دریافت کننده در یک یا چند نوبت در آن دولت متعاقد دیگر بسر برده است از (۱۸۳) روز، در هر دوره دوازده ماهه‌ای که در سال مالی مربوطه شروع یا خاتمه می‌یابد تجاوز نکند؛ و

ب) حق‌الزحمه توسط یا از طرف کارفرمایی که مقیم آن دولت متعاقد دیگر نیست پرداخت شود؛ و
پ) پرداخت حق‌الزحمه بر عهده مقر دایم یا پایگاه ثابتی نباشد که کارفرما در دولت متعاقد دیگر دارد.

۳- علی‌رغم مقررات یاد شده در این ماده، حق‌الزحمه پرداختی توسط مؤسسه یک دولت متعاقد در زمینه استخدام در کشنی، قایق یا وسایط نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی مشمول مالیات دولت متعهده خواهد بود که محل مدیریت مؤثر مؤسسه در آن واقع است.

دفتر هیئت دولت

ماده ۱۷

حقوق الزحمه مدیران

حقوق الزحمه مدیران و پرداخت‌های مشابه دیگری که مقیم یک دولت متعاقد به لحاظ سمت خود به عنوان عضو هیئت مدیره شرکت مقیم دولت متعاقد دیگر تحصیل می‌نماید، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

ماده ۱۸

هنرمندان و ورزشکاران

۱- درآمدهای که مقیم یک دولت متعاقد به عنوان هنرمند، از قبیل هنرمند تئاتر، سینما، رادیو یا تلویزیون یا موسیقیدان با به‌عنوان ورزشکار بابت انجام فعالیت‌های شخصی خود در دولت متعاقد دیگر حاصل می‌نماید، علی‌رغم مقررات مواد (۱۵) و (۱۶) مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲- در صورتی که درآمد مربوط به فعالیت‌های شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود به آن هنرمند یا ورزشکار تعلق نگرفته و عاید شخص دیگری شود، آن درآمد علی‌رغم مقررات مواد (۷)، (۱۵) و (۱۶) مشمول مالیات دولت متعاقدی می‌شود که فعالیت‌های هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می‌گردد.

۳- درآمدهای که هنرمند یا ورزشکار بابت انجام فعالیت‌ها در چارچوب موافقت‌نامه فرهنگی با ورزشی میان دو دولت متعاقد تحصیل می‌نماید از شمول پندهای (۱) و (۲) این ماده مستثنی می‌باشد.

ماده ۱۹

حقوق بازنشستگی

۱- با رعایت مفاد بند (۲) ماده (۲۰)، حقوق بازنشستگی و سایر وجوه مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد به‌ارزای خدمات گذشته فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

۲- معیناً حقوق بازنشستگی و سایر وجوه مشابه، مشروط بر آنکه پرداخت توسط مقیم آن دولت دیگر یا مقر دایم واقع در آن دولت صورت گیرد، مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر نیز می‌شود.

۳- علی‌رغم مقررات بند (۱)، حقوق بازنشستگی و سایر موارد پرداختی به‌موجب طرح‌های عمومی که قسمتی از نظام تأمین اجتماعی یک دولت متعاقد یا مقام محلی آن است، فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

ماده ۲۰

خدمات دولتی

۱- حقوق، دستمزد و سایر حقوق الزحمه‌های مشابه پرداختی، به‌جز حقوق بازنشستگی، توسط یک دولت متعاقد یا تقسیمات فرعی سبانی یا مقام محلی آن به شخص حقیقی بابت خدمات انجام

شده برای آن دولت یا تقسیمات فرعی یا مقام محلی فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

معذالک، در صورتی که خدمات در آن دولت دیگر و توسط شخص حقیقی مقیم آن دولت انجام شود، این حقوق، دستمزد و سایر حق الزحمه‌های مشابه فقط مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر خواهد بود، مشروط بر آنکه آن شخص:

الف) تبعه آن دولت متعاقد دیگر بوده، یا

ب) صرفاً برای ارائه خدمات مزبور، مقیم آن دولت نشده باشد.

۲- حقوق بازنشستگی پرداختی توسط یک دولت متعاقد و یا از محل صندوق ایجاد شده از طرف آن دولت، تقسیمات فرعی سیاسی یا مقام محلی آن به فردی در خصوص خدمانی که برای آن دولت یا تقسیمات فرعی سیاسی یا مقام محلی مزبور انجام داده است فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود. معذالک، در صورتی که شخص حقیقی مقیم و تبعه دولت متعاقد دیگر باشد حقوق مزبور صرفاً مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

۳- در مورد حقوق، دستمزد و سایر حق الزحمه‌های مشابه و مقرری‌های بازنشستگی پرداختی در خصوص فعالیت‌های تجاری که یک دولت متعاقد یا تقسیمات فرعی سیاسی یا مقام محلی آن انجام می‌دهد مقررات مواد (۱۶)، (۱۷)، (۱۸) و (۱۹) مجری خواهد بود.

ماده ۲۱

محصلین، مدرسین و محققین

۱- وجوهی که محصل یا کارآموزی که مقیم یک دولت متعهد باشد و صرفاً به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت متعاقد دیگر بسر می‌برد، برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می‌دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر نخواهد بود، مشروط بر آنکه پرداخت‌های مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود.

۲- همچنین، حق الزحمه دریافتی توسط مدرس یا محقق که مقیم یک دولت متعاقد بوده و به‌منظور تدریس یا انجام تحقیق علمی و فرهنگی برای یک دوره یا دوره‌هایی که از دو سال تجاوز نکند در دولت متعاقد دیگر بسر می‌برد، از مالیات آن دولت متعاقد دیگر معاف خواهد بود، مشروط بر آنکه پرداخت‌های مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود.

این بند در مورد حق الزحمه و درآمد حاصل از انجام تحقیقات چنانچه تحقیقات مزبور برای اشخاص و مؤسسه‌ای انجام شود که دارای اهداف تجاری می‌باشند، مجری نخواهد بود.

۳- محصل یا کارآموز مذکور در بند (۱)، در خصوص اعطای فرصت‌ها و راتبه‌های تحصیلی و حقوقی دریافتی بابت استخدامی که مشمول بند (۱) قرار نمی‌گیرد، در طول دوران تحصیل یا کارآموزی خود همچنین از همان معافیت‌ها، بخشودگی‌ها یا تخفیف مالیاتی مقرر برای مقیمین دولت متعهد محل عزمیت خود برخوردار خواهد بود.

دفتر هیئت دولت

ماده ۲۲

سایر درآمدها

- ۱- اقلام درآمد مقیم یک دولت متعاهد که در مواد قبلی این موافقت‌نامه مورد حکم قرار نگرفته است، در هر کجا که حاصل شود، صرفاً مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود.
- ۲- به‌استثنای درآمد حاصل از اموال غیر منقول به نحوی که در بند (۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه دریافت‌کننده درآمد مزبور، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر از طریق مقر دائم واقع در آن به کسب و کار بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که درآمد در خصوص آن حاصل شده است با این مقر دائم یا پایگاه ثابت به نحو مؤثری مرتبط باشد، مقررات بند (۱) مجری نخواهد بود. در این صورت، حسب مورد، مقررات ماده (۷) یا ماده (۱۵) اعمال خواهد شد.

ماده ۲۳

سرمایه

- ۱- سرمایه متشکل از اموال غیر منقول مذکور در ماده (۶) که متعلق به مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر واقع شده، می‌تواند در آن دولت متعاهد دیگر مشمول مالیات شود.
- ۲- سرمایه متشکل از اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقر دائمی که مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر دارد می‌باشد یا اموال منقولی که متعلق به پایگاه ثابتی است که در اختیار مقیم یک دولت متعاهد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاهد دیگر می‌باشد، می‌تواند در آن دولت متعاهد دیگر مشمول مالیات شود.
- ۳- سرمایه متشکل از کشتی‌ها، قایق‌ها و وسایل نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی و همچنین اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی‌ها، قایق‌ها و وسایل نقلیه هوایی فقط مشمول مالیات دولت متعهدی خواهد بود که محل مدیریت مؤثر مؤسسه مزبور در آن واقع است.
- ۴- کسبه موارد دیگر سرمایه مقیم یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۲۴

آئین حذف مالیات مضاعف

- ۱- در جمهوری اسلامی ایران مالیات مضاعف به شرح زیر حذف خواهد شد:
الف) در صورتی که مقیم جمهوری اسلامی ایران درآمد یا عواید سرمایه‌ای حاصل کند و یا سرمایه‌ای داشته باشد که طبق مقررات این موافقت‌نامه مشمول مالیات دولت جمهوری فنا شده دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه خواهد داد:

(۱) مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در جمهوری غنا از مالیات بر درآمد آن مقیم کسر شود.

(۲) مبلغی برابر با مالیات بر سرمایه و یا عواید سرمایه‌ای پرداختی در جمهوری غنا از مالیات بر سرمایه و یا عواید سرمایه‌ای آن مقیم کسر شود.

معذالک در هریک از دو مورد، این‌گونه کسور نباید از میزان مالیاتی که پستی از کسر، حسب مورد به درآمد، سرمایه و یا عواید سرمایه‌ای تعلق می‌گرفته، بیشتر باشد.

ب) در صورتی که ضیق هریک از مقررات این موافقت‌نامه درآمد حاصل یا سرمایه متعلق به مقیم جمهوری اسلامی ایران از مالیات ایران معاف باشد، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند علی‌رغم معافیت، در محاسبه مالیات بر باقی‌مانده درآمد یا سرمایه و یا عواید سرمایه‌ای این مقیم، درآمد، سرمایه و یا عواید سرمایه‌ای معاف شده را منظور کند.

۲- در جمهوری غنا مالیات مضاعف به شرح زیر حذف خواهد شد:

الف) مالیات پرداختنی در ایران طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران و مطابق با مقررات این موافقت‌نامه، خواه به طور مستقیم (از طریق تشخیص) یا از طریق کسر (تکلیفی)، نسبت به درآمد، منافع یا عواید مشمول مالیات از منابع جمهوری اسلامی ایران (در مورد سود سهام، به‌استثنای مالیات پرداختنی بابت درآمدهایی که سود سهام از ناحیه آن پرداخت می‌شود) به‌عنوان اعتباری در برابر مالیات غنا بابت همان درآمدها، منافع یا عواید مشمول مالیات مزبور پذیرفته خواهد شد که مالیات ایران بابت آنها محاسبه شده است؛

ب) در مورد سود سهام پرداختنی توسط شرکت مقیم جمهوری اسلامی ایران به شرکت مقیم غنا که حداقل و به‌طور مستقیم کنترل ۲۵ درصد از سرمایه شرکت پرداخت کننده سود سهام را در اختیار دارد، در محاسبه اعتبار مزبور (علاوه بر هرگونه مالیات ایران که بابت آن اعتبار مطابق مفاد جزءهای بند ۱ پذیرفته شده) مالیات پرداختنی در ایران توسط شرکت بابت درآمدهایی که سود سهام از ناحیه آن پرداخت می‌شود منظور می‌گردد؛

پ) در هر صورت، مبلغ اعتبار مالیاتی قابل احتساب طبق این بند از سهم مالیات غنا که درآمدها، منافع یا عواید مشمول مالیات مزبور حسب مورد، از کل درآمدها، منافع یا عواید مشمول مالیات غنا دارند تجاوز نخواهد کرد.

ماده ۲۵

عدم تبعیض

۱- اتباع یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر، مشمول هیچ‌گونه مالیات یا الزامات مربوط به آن که سنگین‌تر یا غیر از مالیات یا الزاماتی است که اتباع دولت متعاقد دیگر تحت همان شرایط به ویژه از حیث اقامت مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علی‌رغم

مقررات ماده (۱)، بین مقررات شامل اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاقد نیستند نیز خواهد بود.

۲- مالیاتی که از مقر دایم مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر اخذ می‌شود نباید از مالیات مؤسسات آن دولت متعاقد دیگر که همان فعالیت‌ها را انجام می‌دهند نامساعدتر باشد.

۳- مؤسسات یک دولت متعاقد که سرمایه آنها کلاً یا جزئاً به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم در مالکیت یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاقد دیگر می‌باشند، در دولت نخست مشمول هیچ‌گونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، که سنگینتر یا غیر از مالیات و الزاماتی است که سایر مؤسسات متعاقب در آن دولت نخست مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

۴- به جز در مواردی که مقررات بند (۱) ماده (۹)، بند (۷) ماده (۱۱)، یا بند (۶) ماده (۱۲) اعمال می‌شود، هزینه‌های مالی، حق‌الامتیاز و سایر هزینه‌های پرداختی توسط مؤسسه یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر از لحاظ تعیین میزان درآمد مشمول مالیات آن مؤسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که چنانچه به مقیم دولت نخست پرداخت شده بود. همچنین هرگونه دین مؤسسه یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر از لحاظ تعیین میزان سرمایه مشمول مالیات آن مؤسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که اگر دین مزبور به مقیم دولت نخست پرداخت می‌شد.

۵- این مقررات به گونه‌ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را ملزم نماید که هر نوع مزایای شخصی، بخشودگی و تخفیف مالیاتی را که به علت احوال شخصی یا مسئولیت‌های خانوادگی به اشخاص مقیم خود اعطاء می‌نماید به اشخاص مقیم دولت متعاقد دیگر نیز اعطاء کند.

ماده ۲۶

آئین توافق دوجانبه

۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاقد بر این نظر باشد که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاقد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با این موافقت‌نامه نمی‌باشد، صرفنظر از طرق احقاق حق پیش‌بینی شده در قوانین داخلی دولت‌های مزبور، می‌تواند اعتراض خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مشمول بند (۱) ماده (۲۵) باشد به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که تبعه آن است، تسلیم نماید. اعتراض باید ظرف سه سال از تاریخ نخستین اطلاع از اقدامی که به اعمال مالیات مغایر با مقررات این موافقت‌نامه منتهی شده تسلیم شود.

۲- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی خود نتواند به راه حل مناسبی برسد، برای اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقت‌نامه نمی‌باشد، خواهد کوشید که از طریق توافق

متقابل با مقام صلاحیتدار دولت متعاهد دیگر موضوع را فیصله دهد. هرگونه توافق خاصه صرفتظنر از هرگونه محدودیت زمانی در قانون داخلی دولت‌های متعاهد مجری خواهد بود.

۳- مقامات صلاحیتدار دولت‌های متعاهد تلاش خواهند کرد که تمامی مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقت‌نامه را با توافق دو جنبه فیصله دهند و همچنین می‌توانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که در این موافقت‌نامه پیش‌بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴- مقامات صلاحیتدار دولت‌های متعاهد می‌توانند به منظور توسعه آیین‌ها، شرایط، روش‌ها و فنون مقتضی برای اجرای آیین توافق دو جنبه مندرج در این ماده و حصول توافق در موارد بندهای پیشین، مستقیماً یا از طریق کمیسیون مشترک متشکل از نمایندگان خویش با یکدیگر ارتباط حاصل کنند.

ماده ۲۷

تبادل اطلاعات

۱- مقامات صلاحیتدار دولت‌های متعاهد اطلاعات ضروری برای اجرای مقررات این موافقت‌نامه یا برای اجرای قوانین داخلی دولت‌های متعاهد غیر مغایر با این موافقت‌نامه را که مربوط به مالیات‌های مشمول این موافقت‌نامه باشد، مبادله خواهند کرد. ماده (۱) موجب تحدید تبادل اطلاعات مزبور نمی‌شود.

۲- هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاهد دریافت می‌شود، به همان شیوه‌ای که تحت قوانین داخلی آن دولت اطلاعات بدست آمده به صورت محرمانه تلقی خواهد شد و فقط برای اشخاص یا مقامات از جمله دادگاه‌ها و مراجع اداری که با امر تشخیص، وصول، اجرا یا پیگیری ارتباط دارند یا در مورد پژوهش‌خواهی‌های مربوط به مالیات‌های مشمول این موافقت‌نامه تصمیم‌گیری می‌کنند، فاش خواهد شد. اشخاص یا مقامات یاد شده، اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده فرار خواهند داد. آنان می‌توانند این اطلاعات را در جریان دادرسی‌های علنی دادگاه‌ها یا طی تصمیمات قضایی فاش سازند.

۳- مقررات بند (۱) در هیچ مورد به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را وادار سازد:

الف) اقدامات اداری خلاف قوانین و رویه اداری خود یا دولت متعاهد دیگر اتخاذ نماید؛

ب) اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا روش اداری متعارف خود یا دولت متعاهد دیگر قابل تحصیل نیست؛

پ) اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، صنعتی، بازرگانی یا حرفه‌ای یا فرآیند تجاری شود یا افشای آن خلاف خط مشی عمومی (نظم عمومی) باشد.

دفتر هیئت دولت

۴- با رعایت محدودیت‌های مذکور در بند (۳) فوق‌الذکر، هرگاه اطلاعات توسط یک دولت متعاقد مطابق این ماده درخواست شود، دولت متعهد دیگر باید تدابیر جمع‌آوری اطلاعات خود را به منظور تحصیل اطلاعات درخواستی مزبور به‌کار گیرد.

ماده ۲۸

اعضای هیئت‌های نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی و مناصب کنسولی

مقررات این موافقت‌نامه بر امتیازات مالیاتی اعضای هیئت‌های نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی یا مناصب کنسولی که به موجب فواید عمومی حقوق بین‌الملل یا مقررات موافقت‌نامه‌های خاصی از آن برخوردار می‌باشند، تأثیری نخواهد گذاشت.

ماده ۲۹

لازم‌الاجرا شدن

هر یک از دولت‌های متعاقد طرف دیگر را از طریق مجاری سیاسی از تکمیل مراحل مقرر در قوانین خود جهت لازم‌الاجرا شدن این موافقت‌نامه مطلع خواهد نمود. این موافقت‌نامه از تاریخ آخرین اطلاعیه قوت قانونی خواهد یافت و مقررات آن در مورد آن قسمت از درآمد، سرمایه و عواید سرمایه‌ای که در اولین روز سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقت‌نامه قوت قانونی یافته است یا بعد از آن حاصل می‌شود یا موجود است به مورد اجرا گذارده خواهد شد.

ماده ۳۰

فسخ

این موافقت‌نامه تا زمانی که توسط یک دولت متعاقد فسخ نشده لازم‌الاجرا خواهد بود. هر یک از دولت‌های متعاقد می‌تواند این موافقت‌نامه را از طریق مجاری سیاسی، با ارایه یادداشت فسخ حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره پنج‌ساله از تاریخی که موافقت‌نامه لازم‌الاجرا می‌گردد فسخ نماید. در این صورت این موافقت‌نامه در مورد آن قسمت از درآمد، سرمایه و عواید سرمایه‌ای که در اولین روز سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت فسخ نسیم شده است یا بعد از آن موجود باشد یا حاصل شود، اعمال نخواهد شد.

این موافقت‌نامه در آگرا در دو نسخه در تاریخ ۱۳۹۶/۰۸/۲۵ هجری شمسی برابر با ۲۰۱۷/۱۱/۱۶ میلادی به زبان‌های فارسی و انگلیسی تنظیم گردید که هر دو متن از اعتبار یکسان برخوردار است.

برای گواهی مراتب بالا، امضاکنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود به‌طور مقتضی مجاز می‌باشند، این موافقت‌نامه را امض نمودند.

از طرف دولت
جمهوری غنا

کن افوری انا
وزیر دارایی

از طرف دولت
جمهوری اسلامی ایران

محمود حجتی
وزیر جهاد کشاورزی

دفتر هیئت دولت